

وصول مطالبات در چین

در اثر اعمال سیاست متوازن سازی مجدد¹ اقتصادی در چین، تأمین مالی مستقیم یا اعطای مستقیم تسهیلات بانکی به سرعت در حال کاهش است و این امر به بخش های بیشتری در حال تسری است. در نتیجه، میانگین دوره وصول مطالبات همچنان بالا بوده و مقررات خاصی بر مطالبات معوق حاکم نیست. سیستم قضایی پیچیده بوده و از فقدان شفافیت رنج می برد. انتظار افزایش تاخیرها و هزینه ها می رود. با توجه به نامشخص بودن نتیجه اجرای احکام (دادگاهها)، وصول مطالبات از راه مسالمت آمیز (مذاکره) و غیر حقوقی ارجحیت دارد. چارچوب ورشکستگی پیچیده و فرایند انحلال شرکتها نیز با نواقصی روبروست.

اطلاعات عمومی

دسترسی به اطلاعات مالی

به طور کلی، کیفیت اطلاعات مالی قابل دسترس در خصوص شرکتهای چینی، رضایت بخش نیست. چرا که به واسطه فقدان شفافیت، داده ها به ندرت وضعیت واقعی کسب و کار را منعکس می کنند. صرفاً شرکت های پذیرفته شده در بورس، ملزم به افشای صورتهای مالی خود می باشند. در خصوص سایر شرکتهای، اطلاعات یا در دسترس نیست و یا قابل اتکاء نمی باشد. به علاوه، صاحب یک کسب و کار میتواند بعد از تعطیل نمود کسب و کار قبلی خود و بدون بازپرداخت بدهی هایش، کسب و کار جدیدی براه بیاورد. برخی شرکتهای بیمه اعتبار، اطلاعات مالی را از شرکتهای چینی ارائه دهنده اطلاعات اعتباری دریافت نموده و معمولاً این اطلاعات را از منابع دیگر از جمله "اداره دولتی صنعت و بازرگانی"² راستی آزمایی می نمایند. شرکتهای بیمه اعتبار (پس از دریافت اطلاعات)، اقدام به دادن یک امتیاز به هر شرکت می نمایند که منعکس کننده سلامت مالی آن شرکت چگونگی کسب و کارش می باشد. امتیازات اعطایی در واقع نتیجه برداشت و تحلیل شرکتهای بیمه بوده و در شناسایی و جلوگیری از ریسک به مشتریانشان کمک می نمایند. داده ها به طور مرتب پایش می شوند تا به روزترین اطلاعات برای اتخاذ تصمیمات مدیریتی ارائه گردند.

ساختار اصلی شرکت ها

تعهدات مربوط به بدهی های تجاری، براساس ساختار حقوقی شرکتها به شرح ذیل، تعیین می شوند:

¹ Re-balancing

² State administration for industry and commerce

شرکت های داخلی، عموماً دارای مالکیت کاملاً فردی^۳ بوده (کسب و کاری که بر مبنای دارایی های متعلق به یک فرد ایجاد شده است) و یا شرکت های سهامی هستند که سرمایه و دارایی آنها به سهام مساوی قابل انتقال تقسیم می شود. (در این حالت، سهامداران بیشتر از ارزش سهامشان تعهدی ندارند).

ساختارهای گوناگون کسب و کار دیگری نیز در دسترس سرمایه گذاران خارجی می باشد. شرکت های با مالکیت کاملاً خارجی^۴، دارای ساختارهایی شفاف و با مسئولیت محدود هستند. با توجه به مالکیت این شرکت ها توسط سرمایه گذار خارجی، امکان انتقال عواید حاصل از سرمایه گذاری به کشور متبوع سرمایه گذار وجود دارد. از سال ۲۰۱۰ تا کنون، شرکت های مشارکتی با سرمایه گذاری خارجی^۵، نیز به سرمایه گذاران خارجی این امکان را می دهند تا با سرمایه محدود اقدام به ایجاد این نوع شرکتها در چین بنمایند. دفاتر نمایندگی^۶، به عنوان دفاتر رابط شرکت های مادر خارجی ایفای نقش می کنند و البته صرفاً میتوان از آنها برای اهداف خاصی نظیر رابط، تحقیقات بازار، بازاریابی، و کنترل کیفیت استفاده نمود به شرط درآمدزا نباشند.

مشارکت های انتفاعی^۷ بین شرکت های چینی و سرمایه گذاران خارجی، که با هدف تقسیم عواید سرمایه گذاری ها، ریسک ها و درآمدها و فراهم آوردن امکان ورود یک شخصیت خارجی به یک بازار محدود انجام می شود. مشارکت های انتفاعی نقدی چارچوبی ثبتي دارند اما مشارکتهای قراردادی نیز ممکن است ایجاد شوند. در عمل، شرکت های به ثبت رسیده در هنگ کنگ اغلب به عنوان شرکت های واسطه مالی^۸ به منظور سرمایه گذاری در سرزمین چین عمل می کنند.

محیط قانونی

سیستم دادگاهی چین بیش از حد پیچیده است. دادگاه ها به محاکم متعددی در سطوح مختلف تقسیم می شوند. در پایین ترین سطح، دادگاه های بدوی (شامل دادگاه های استانی، دادگاه های شهرداری، دادگاه های استان های خود مختار، دادگاه های مناطق شهری) در مرحله اول به پرونده های کیفری و اداری و دعاوی داخلی زیر ۵۰ میلیون RMB رسیدگی می کنند. دادگاه های ثانویه یا واسطه، علاوه بر بررسی پرونده های خاص (شامل پرونده های مرتبط با خارجیان و دعاوی بیش از ۵۰ میلیون RMB، کار رسیدگی به درخواستهای تجدید نظر در مورد احکام صادره از سوی دادگاه بدوی را نیز انجام می دهند. نهایتاً در سطح دولت مرکزی، دادگاه های عالی خلق

³ Sole proprietorship

⁴ Wholly foreign owned enterprises

⁵ Foreign invested partnership enterprises

⁶ Representative offices

⁷ Joint ventures

⁸ Special purpose vehicles (spv)

کار تفسیر احکام صادره (در موارد اختلافی) را برعهده دارند اما در پرونده های بزرگ نیز ممکن است اقدام به تصمیم گیری نمایند.

وصول طلب

میانگین دوره وصول مطالبات (از خریداران) در چین از ۳۰ روز (در مورد صنایع با تکنولوژی بالا) تا ۱۲۰ روز (در مورد کالا) در نوسان است. علیرغم استانداردهای فرهنگی که اجازه تاخیر در ایفای تعهدات را نمی دهد، میانگین دوره وصول مطالبات در حال افزایش است بطوریکه در مقایسه با میانگین ۷۳ روز در سال ۲۰۱۲ به میانگین ۸۲ روز در سال ۲۰۱۵ رسید.^۹

در بیشتر موارد، پرداخت های معوق ناشی از مشکلات مالی است که مشتریان بدهکار (به دلیل حمایت ضعیف سیستم بانکی) با آن روبرو هستند. درعمل، به همین دلیل است که تمدید دوره پرداخت به یک روش مدیریت نقدینگی بدل شده و شرکت های چینی اغلب بر دوره های اعتباری ۱۲۰ تا ۱۸۰ روزه اصرار می ورزند. البته، توافق با چنین شرایطی توصیه نمی شود.

سود تأخیر تأدیه

باتوجه به شرایط قرار داد، ممکن است سود تأخیر تأدیه لحاظ شود. محاسبه آن براساس نرخ تسهیلات **بانک خلق چین** است که از سال ۲۰۱۴ تاکنون معادل ۶ درصد تعیین شده است. (۵/۶ درصد برای تاخیر کمتر از ششماه و ۶/۱۵ درصد برای تاخیر بیش از ششماه).

در صورت ارجاع پرونده به دادگاه و تاخیر در پرداخت و عدم تعیین جریمه در شرایط قرارداد، اکثر طلبکاران و شکات اقدام به مطالبه جریمه به میزان چهار برابر نرخ سود بانک مرکزی می نمایند. به طور معمول، سود بعنوان یک ابزار مذاکره به کار می رود که احتمالاً در صورت مصالحه و وصول مسالمت آمیز طلب، حذف می شود. البته، در صورت عدم مصالحه، هزینه های وصول نیز به میزان طلب اضافه می گردد.

هزینه های وصول بدهی

به عنوان یک قاعده کلی، قانون اجازه تحمیل هزینه های وصول بدهی به بدهکار را نداده و به لحاظ فرهنگی، پرداخت بدهی نوعی استهلاک هزینه (بازیافت) محسوب می شود. در صورت عدم مصالحه، یک هزینه ی کسر شده تلقی می گردد. البته، در صورت عدم مصالحه، هزینه های وصول نیز به میزان طلب اضافه می گردد.

^۹ براساس گزارش ثبت شماره ۱۱۱۹۱ مورخ ۹۶/۶/۶ مدیریت محترم ریسک این میانگین در سال ۲۰۱۷ برابر با ۸۹ روز شده است. رشد تعداد ورشکستگی در چین در سال ۲۰۱۷ برابر با ۱۰ درصد بوده است.

حفظ مالکیت

به طور کلی براساس قانون حاکم بر قراردادها در چین، همزمان با تحویل کالا به خریدار، مالکیت هم به وی منتقل می گردد اما قاعده "حفظ مالکیت"¹⁰ (حفظ مالکیت بر کالاها توسط فروشنده تا زمان پرداخت کامل وجه آنها از سوی خریدار) کاملاً مجاز و قابل اعمال می باشد. حفظ بلند مدت مالکیت در صورت انتقال و یا فروش مجدد کالا به اشخاص ثالث امکانپذیر نیست. به لحاظ تئوریک از تفاهم نامه های حفظ مالکیت میتوان برای استرداد کالاها بهنگام حقوقی شدن پرونده استفاده نمود اما این تفاهم نامه ها در موارد ورشکستگی (خریدار) کارایی چندانی ندارند.

پرداختها

متداول ترین روشهای پرداخت عبارتند از:

انتقال از طریق سویفت بانکی از مهمترین روشهای پرداخت هستند چراکه سریع و ایمن بوده و از طریق شبکه پیشرفته بانکی بین المللی و داخلی پشتیبانی می شود. در ارتباط با شرکت هایی که خارج از چین هستند و به چین صادرات می کنند، نقل و انتقال وجوه معمولاً بوسیله بیمه نامه های اعتبار صادراتی (که باعث کاهش ریسک ورشکستگی ناگهانی و غیرمنتظره مشتری می گردد) تضمین می شود.

کارشناسان ریسک برخی موسسات بیمه اعتبار از جمله هرمس در چین، سلامت مالی خریداران بیمه گذاران این موسسه در چین را رصد کرده و برای ایشان سقف های اعتباری خاصی تعیین می کنند که بیمه گذاران میتوانند تا آن سقف به داد و ستد پرداخته و در صورت بروز مشکل، از سوی این موسسه جبران خسارت شوند. موسسه هرمس در دهمین کنفرانس مدیریت ریسک و اعتبار بین المللی در چین در سال ۲۰۱۳، بهترین خدمت رسان در زمینه های اعتباری در چین لقب گرفت.

استفاده از بیمه اعتبار برای تجارت داخلی بویژه میان شرکت های چینی در حال رشد و افزایش است و برخی موسسات بیمه اعتبار از جمله هرمس با همکاری بیمه گران محلی منتخب، از مشتریان چینی در تجارت داخلی در سرتاسر این کشور حمایت می کنند. گزینه دیگر، اعتبارات اسنادی ضمانتی است که طی آن یک بانک، کیفیت اعتبار بدهکار و توانایی بازپرداخت وی را تضمین می کند. این اعتبارات اسنادی، ضمانتنامه های قابل اتکایی هستند که ارائه آن نشانه حسن نیت مدیون تلقی گردیده و در صورت عدم ایفای تعهدات قراردادی از سوی مدیون، میتوان از آن بعنوان آخرین اهرم فشار جهت وصول طلب استفاده نمود. همچنین استفاده از اعتبارات اسنادی غیر قابل برگشت و تأیید شده (که طی آن بدهکار تضمین می دهد به محض رعایت شرایط مورد توافق طرفین، مقدار معنی پول از طریق بانک به فروشنده پرداخت شود)، را نیز میتوان مد نظر قرار داد.

¹⁰ Retention of Title

استفاده از چک نیز بسیار رایج است. البته، از زمان اعمال مقررات جدید واردات در سال ۲۰۱۰، دریافت اعتبارات اسنادی ضمانتی و اعتبارات اسنادی مشکل تر شده است چرا که بانک هایی که با معاملات ارزی سر کار دارند می بایست مشخصات تضامین صادره خود را در اداره دولتی نظارت بر ارز^{۱۱} ثبت کنند. در نتیجه در حال حاضر وجه ۲۰ تا ۲۵ درصد از معاملات بین المللی (تا ده درصد ارزش معامله) پیش پرداخت می گردد. تأکید می گردد که بانک های محلی شروط اعتبار اسنادی را به شیوه خاص خود قرائت می کنند درحالی که تفسیر دادگاه های داخلی کشور چین با دستورالعملهای اتاق بازرگانی بین الملل بسیار متفاوت می باشد.

• وصول مطالبات معوق:

حل و فصل دوستانه

مذاکره:

کلید موفقیت در وصول مطالبات از راه دوستانه، داشتن تجربه کافی در بازار و شناخت ابزاری است که به کمک آن بتوان بجای مکاتبات غیر موثر، به مدیون فشار آورده و وی را به میز مذاکره بازگرداند. قبل از شروع اقدامات حقوقی علیه بدهکار، ارزیابی دارایی های وی بسیار مهم است چراکه به روشن شدن این موضوع که آیا مدیون کماکان به فعالیت خود ادامه می دهد یا خیر، آیا شانس بازیافت وجود دارد یا نه و همچنین بهبود شانس اجرای نقد کردن طلب کمک می نماید. به علاوه، آگاهی از وضعیت اعسار مدیون حیاتی است چرا که در صورت اعلام ورشکستگی بدهکار، وصول بدهی از وی بسیار مشکل خواهد بود.

اقدام حقوقی

دعوی عادی

در صورت موفق نبودن فاز وصول مطالبات از راه دوستانه و یا عدم قبول بدهی از سوی مدیون، تنها گزینه، اقدام حقوقی خواهد بود. در صورت قبول بدهی از سوی مدیون، میتوان براساس قانون مدنی جمهوری خلق چین به شماره ۱۸۹ فرایند پیش از دادگاه را آغاز نمود بدین ترتیب که در صورت خودداری مدیون از پرداخت دین و یا عدم ارائه دفاعیه، میتوان از دادگاه بدوی خلق درخواست صدور دستور پرداخت نمود که این حکم ظرف ۱۵ روز تقویمی از تاریخ ابلاغ به مدیون لازم الاجرا خواهد بود.

در صورت طرح شکایت متقابل از سوی مدیون، موضوع دعوا باید از طریق فرایند عادی دادگاه مورد بررسی قرار گیرد. این فرایند بدین قرار است: به محض تشکیل پرونده، دادگاه ذیصلاح به منظور تعیین اینکه آیا موضوع

¹¹ State Administration of Foreign Exchange

دعوی می باید پذیرفته شود یا خیر؟ رسیدگی اولیه را انجام می دهد. سپس دادگاه شواهد را بررسی کرده و از طرفین دعوت می کند قبل از ارائه تصمیم توسط دادگاه، به مصالحه نمایند. راهکارهای سفارش شده توسط دادگاه به طور معمول این اشکال را خواهند داشت: خسارت معادل زیان، احکامی در جهت حذف آثار زیانبار، متارکه قانون شکنی. ممکن است اجرای خاصی حکم شود. با این وجود خسارات تنبیهی جایز نمی باشند.

اسناد مورد نیاز

براساس قانون آیین دادرسی مدنی چین، اسناد مورد نیاز برای اختلافات مربوط به مسایل اعتباری عبارتند از: دادخواست کامل، لیست مدارک، پروانه تجاری طرفین، قراردادهای، سفارشات کالا، فاکتورها، مکاتبات مربوطه، وثایق، ضمانتنامه ها و دیگر مدارک مرتبط.

محدودیت زمانی

بعنوان یک قاعده کلی، تمامی دعاوی باید در یک مهلت زمانی خاص در دادگاه طرح شوند. این مهلت از زمان آگاهی طلبکار از بروز شرایط منجر به زیان آغاز می گردد. شکایات اداری علیه مقامات دولتی می باید ظرف سه ماه، دعاوی تجاری ظرف دو سال (و حداکثر ۴ سال در مورد قراردادهای مرتبط با انتقال تکنولوژی و فروش بین المللی کالاها)، دعاوی مربوط به حمل دریایی ظرف یک سال از زمان (واقعی یا مورد انتظار) تحویل کالا و شکایات به حمل ریلی می بایست ظرف ۱۸۰ روز از زمان واقعی یا مورد انتظار تحویل کالا، در دادگاه طرح شوند. دادخواست حفظ حقوق مدنی می باید ظرف دو سال و دادخواست مربوط به دعاوی مرتبط با کیفیت پایین کالاها، پرداخت اجاره، ضرب و جرح فیزیکی و غیره می باید ظرف یک سال به دادگاه ارائه شوند. دعاوی ارائه شده پس از مهلتهای مذکور قابل رسیدگی نخواهند بود.

اقدامات پیشگیرانه

به منظور حفظ منافع طلبکار میتوان با اقدامات پیشگیرانه نسبت به تعلیق یک حکم قطعی و لازم اجرای دادگاه اقدام نمود. در عمل، دادگاهها ممکن است با هدف جلوگیری از بروز خسارات جبران ناپذیر، و حفظ وضعیت موجود (توقیف پیشگیرانه و احتیاطی حسابهای بانکی یا دارایی ها، پلمپ کارخانه ها، توقیف موجودی انبار، جلوگیری از اجرای یک قرارداد) یا به منظور حفظ مستندات، حکم به انجام اقدامات پیشگیرانه بدهند. برای اینکار لازم است طلبکار، درخواست مستندی که حاکی از ضرورت قطعی و فوری صدور چنین حکمی از سوی دادگاه می باشد را ارائه نموده و احتمالاً دادگاه نیز برای اطمینان از تامین هزینه های احتمالی ممانعت از اقدامات احتمالی و غیر مسئولانه بدهکار، از طلبکار درخواست تضمین نماید. برای حفاظت یا تحصیل مستندات

می بایست درخواستهای خاص به دادگاه ارائه نمود اما این درخواستها مشمول تصمیمات پیشگیرانه (فوق الاشاره) دادگاهها نمی گردد.

درخواست تجدید نظر

طرفین دعوا محق هستند درخواست تجدید نظر در خصوص احکام صادره در مرحله بدوی را ظرف ۱۵ روز به دادگاه عالی خلق ارائه دهند اما ارائه دادخواست برای این منظور ضروری خواهد بود. حکم صادره از سوی دادگاه تجدید نظر صرفاً در خصوص تفسیر قوانین بوده و قطعی تلقی می گردند. تنها راه حل برای طرف ناراضی، طرح مجدد شکایت بدلائل دیگر خواهد بود.

اجرای احکام دادگاه

از لحاظ تئوریک، طرف بازنده دعوا، باید حکم نهایی را اجرا کند در غیر اینصورت، خواهان میتوان از دادگاه خلق یا اداره اجرای احکام، تقاضای اجرای حکم را بنماید. در این صورت، دادگاه ممکن است دستور توقیف دارایی ها و حسابهای بدهکار را بدهد. در عمل، اجرای حکم دادگاه یا داوری در کشور چین می تواند مشکل باشد.

راهکار دیگر، دریافت حکم لازم الاجرا از طریق دادگاه های هنگ کنگ و طبق " موافقتنامه به رسمیت شناختن متقابل آرا و اجرای احکام مدنی و تجاری"^{۱۲} مربوط به سال ۲۰۰۶ می باشد. هنگ کنگ یک سیستم کارآمد حقوقی و مستقل از دادگاه های چین داشته و REJA به دادگاه های هنگ کنگ این اجازه را می دهد که احکام صادره در کشور چین را نیز اجرا کنند. در نتیجه، محاکم هنگ کنگ از دیرباز به عنوان محاکمی مطلوب جهت ارجاع قراردادهای منعقد شده میان طرف های خارجی با چینی ها بوده و به عنوان بهترین محل برای اجرای احکام در چین محسوب می گردد. احکام صادره در هنگ کنگ در کشور چین قابل بررسی بوده و در قبال اشخاص بدهکار ثالث قابلیت اجرا دارند. در صورت خودداری بدهکار از اجرای حکم، طلبکار باید فوراً درخواست اجرای حکم را نماید. به منظور استفاده از دادگاه های هنگ کنگ، مواد و شرایط قرارداد باید طوری تنظیم شود که بر اساس آن تمامی اختلافات منحصراً توسط دادگاه های هنگ کنگ حل و فصل شوند. برای این منظور اخذ مشاوره حقوقی لازم است.

به منظور بهبود رویه اجرای احکام، به ویژه در ارتباط با تضامین شخصی، دادگاه عالی چین در سال ۲۰۱۵ بخشنامه ای موسوم به بخشنامه دادگاه عالی خلق در خصوص اعمال قانون نحوه رسیدگی به تخلف از اجرای احکام دادگاه صادر نمود که از ۲۲ جولای همان سال اجرایی گردید. انتظار می رود که با این بخشنامه، فرایند

کلی اجرای احکام بهبود یافته و تضامین شخصی نیز از جذابیت بیشتری برای طلبکاران برخوردار گردد. یکی از شروط کلیدی برای اجرای احکام در چین، داشتن سرخ از داراییهای بدهکار است که ممکن است از سوی دادگاه یا طلبکاران پیدا شود. به محض یافتن داراییهای بیشتر، طلبکار می بایست فوراً درخواست اجرای حکم را به دادگاه ارائه نماید.

شیوه های جایگزین اقدامات حقوقی

روش های جایگزین حل و فصل اختلافات

بدلیل عدم اطمینان به دادگاه های محلی، استفاده از داوری به طور قابل ملاحظه ای به حل اختلافات به صورت مسالمت آمیز و دوستانه کمک می کند اما عملاً اجرای تفاهمات حاصله طی داوری، گاهی اوقات در هاله ای از ابهام قرار دارد.

محاكم خارجي

در نتیجه فقدان اعتماد به دادگاه های داخلی، اختلافات بیشتر به محاکم خارجی ارجاع داده می شوند. بدلیل بی طرفانه بودن قانون تجاری سوییس، گاهی اوقات اعمال این قانون در قراردادهای چینی ها با خارجی ها، توصیه می شود. در عمل، بیشتر قراردادها (به استثنای قراردادهای مشارکت و انتقال سهام که الزاماً باید تحت قوانین چین باشند)، می تواند مشمول قانون مورد توافق طرفین قرارداد قرار گیرد. به همین جهت، دادگاه های داخلی ممکن است در اعمال قانون خارجی با مشکل روبرو شده و لذا رجوع به دادگاههای هنگ کنگ تحت قانون REJA بهترین راه برای اجرای احکام خواهد بود. بهمین دلیل، قراردادن قراردادها تحت شمولیت قانون هنگ کنگ، می تواند ارجحیت داشته باشد. دریافت مشاوره تخصصی حقوقی در این ارتباط ضروری خواهد بود.

اجرای احکام خارجی

اجرای احکام محاکم خارجی در چین ممکن است سخت باشد اما غیر ممکن نیست. نظیر بسیاری کشورها، برای اینکه حکمی در چین قابلیت اجرا پیدا کند می بایست با طی کردن تشریفات مربوطه به رسمیت شناخته شود. اما در عمل کشور چین صرفاً با چند کشور سابقاً کمونیستی دارای موافقتنامه اجرای متقابل احکام دارد. هرچند دادگاه های داخلی محافظه گرا بوده و تمایل دارند تشریفات فوق را طولانی و پرهزینه نمایند. در نتیجه، اگرچه پیگرد قانونی بدهکار چینی در خارج از چین همواره ممکن است، اما تلاش برای اجرای احکام محاکم خارجی در چین عملاً اتلاف وقت و پول است.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، استفاده از دادگاه های هنگ کنگ تحت REJA یک راه مؤثر برای حل اختلافات تجاری است ، چراکه احکام صادره در این خصوص از سوی محاکم خارجی را میتوان در سرزمین اصلی چین اجرا نمود. در عمل و البته مشروط به آنکه قرارداد صرفاً مشمول قوانین حاکم و دادگاه های هنگ کنگ قرار گرفته باشد، دادگاه عالی هنگ کنگ اقدام به صدور حکم و احضاریه و ابلاغ آن به دادگاه عالی در شانگهای می نماید، سپس دادگاه شانگهای در چارچوب REJA (و بدون اینکه اجازه بررسی مجدد پرونده را داشته باشد) حکم را به رسمیت شناخته و آنرا اجرا می نماید.

چین یکی از امضاء کنندگان کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است که براساس آن ، دادگاه های کشور چین ملزم است آرای صادره از سوی دیوانهای داوری بین المللی را به رسمیت شناخته و آنها را اجرا نمایند. لذا، داوری بین المللی را نیز می توان به عنوان یک جایگزین مهم برای فرآیندهای حقوقی معمول مد نظر قرار داد.

بدهکاران ورشکسته

ورشکستگی در چین با جریان نقدی و ترازنامه شرکتها مرتبط است. بدهکار فاقد نقدینگی ورشکسته تلقی می گردد یعنی کسی که بطور مداوم قادر به پرداخت بدهی های معوق خود نباشد. همچنین اگر داراییهای نقد شده بدهکار نتواند پاسخگوی تمامی طلبکاران باشد نیز میتوان آنرا افلاس بدهکار تلقی نمود. قبل از ارائه دادخواست ورشکستگی (از سوی بدهکار) ، هر دو معیار فوق می بایست مورد بررسی قرار گیرند.

براساس قوانین جدید ورشکستگی شرکت ها مصوب سال ۲۰۰۶ (برگرفته از استانداردهای بین المللی)، استمهال بدهی، انحلال و یا مصالحه گزینه های پیش روی شرکتهای دارای مشکلات مالی می باشند. متعاقب قانون مذکور، دادگاه عالی خلق در ژوئن سال ۲۰۰۹ دستورالعملی منتشر نمود که براساس آن و در راستای سیاست ملی تعدیل ساختاری ، حمایت موثر از شرکت های دارای دورنمای مالی مناسب، از طریق استمهال بدهی یا مصالحه می بایست مورد حمایت موثر قرار گیرند. بعلاوه، به نظر می رسد دولت های محلی می توانند با استفاده از منابع حسابهای ذخیره حمایتی و یا تشویق اشخاص ثالث برای تامین مالی موقت برای این منظور استفاده نمایند. علیرغم همه اینها، معلوم نیست که آیا این تلاشهای قانونی از کارایی لازم برخوردارند یا خیر؟ و در واقع چنین به نظر می رسد که آنها در عمل قابل اتکاء نیستند.

رسیدگی قضایی معمولاً در شعب اقتصادی دادگاههای خلق در منطقه محل استقرار بدهکار انجام می شود اما در عمل ، طرفین کمتر به مصالحه دست یافته و بصورت سنتی بیشتر بدنبال استمهال بدهی و یا انحلال (درخواست ورشکستگی) می باشند.

سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۳ اوج دورانی بود که دولت با هدف تصفیه داراییهای نامشروع، به بسیاری از شرکت های دولتی اجازه اعلام ورشکستگی داد. این سیاست در آن زمان مؤثر افتاد. اما از آن زمان به بعد شرکت ها به ندرت تن به تشریفات ورشکستگی داده و بجای آن براحتی ناپدید می شوند. در نتیجه ضریب بازیافت در موارد ورشکستگی (مدیون) بسیار محدود به نظر می رسد و لذا ضروری است تلاش های بیشتری برای حل و فصل اختلافات قبل از رسیدن به ورشکستگی انجام شود.

با این وجود، بلحاظ پیچیدگی های موجود در مسایل مربوط به نیروی کار و مقررات بانکی، دولتهای محلی شرکتهای بیشتری را به اعلام ورشکستگی مجبور می نمایند. این در حالیست که اقداماتی نظیر شناسایی سر نخهای انتقال غیر قانونی دارایی ها و مسئولیت مدنی مالکین آنها بدرستی انجام نمی شود. در برخورد با دو مقوله نحوه برقراری عدالت و چگونگی حمایت از اعتبارات، دادگاه های چین بیش از هر چیز بدنبال حفظ ثبات اجتماعی (نیروی کار) و تسریع در بسته شدن پرونده می باشند.

فرایند ورشکستگی

تشریفات خارج از دادگاه

قانون جدید همچنین به بدهکار اجازه می دهد جهت تسویه بدهی، با طلبکاران مصالحه نماید. این مصالحه نامه باید به تایید دو سوم طلبکاران بدون تضمین برسد. دادگاه طی حکمی مصالحه نامه را تایید می نماید (که بر همین اساس لازم الاجرا خواهد بود)، اما در صورت عدم مصالحه، میتواند بدهکار را ورشکسته اعلام کند.

استمهال (تجدید ساختار) بدهی

فرایند تجدید ساختار (بدهی) به بدهکار اجازه می دهد تا طرح تجدید ساختار (استمهال) بدهی را به طلبکارانش ارائه دهد. این طرح پیشنهادی قبل از آنکه به تأیید دادگاه برسد، باید توسط هر یک از گروه طلبکاران (اعم از کارمندان، طلبکاران دارای وثیقه، طلبکاران مالیاتی، طلبکاران عادی و ...) تایید شود. سپس، بدهکار ملزم به اجرای طرح استمهال تحت نظارت یک مدیر تصفیه خواهد بود. طرفین متعهد به اجرا طرح بوده و ضرب الاجلی نیز برای تعلیق اقدامات حقوقی تعیین می شود. با این حال، در صورت موفق نبودن اجرای طرح، دادگاه حکم به انحلال شرکت می دهد. عملاً، فرایند ورشکستگی به ندرت از طریق تجدید ساختار بدهی (به شرح فوق) متوقف گردیده و انحلال شرکت تنها راه باقی مانده در چین در این خصوص خواهد بود. اگر دادگاه دادخواست ورشکستگی را بپذیرد (دعوایی که توسط بدهکار یا طلبکارانش اقامه شده)، طلبکاران باید دعوای خود را طی یک دوره زمانی معین که از سوی دادگاه معین می شود (حداکثر تا سه ماه) اقامه نمایند. پس از آن و تا زمانی که مدیر تصفیه، تحت نظارت کمیته طلبکاران، کنترل (اداره امور) شرکت را در دست گرفته و دارایی هایش را نقد

کند، تمامی دعاوی مطروحه به طرفیت بدهکار به طور موقت تعلیق می گردد. اگر بدهکار غیر قابل اعتماد به نظر آید، ممکن است دادگاه دستور حفاظت از دارایی های وی را صادر کند.

اولویت بندی طلبکاران

طلبکاران بدون تضمین، می توانند مادامی که فرایند ورشکستگی (مدیون) آغاز نشده، بدنبال احقاق حقوق خود باشند. اما به محض اعلام ورشکستگی مدیون، قانون، اولویت را به هزینه های مرتبط با تشریفات ورشکستگی و طلبکاران دارای تضمین می دهد. سپس عواید حاصل از فروش اموال مدیون برای تامین هزینه های اجرایی ورشکستگی، هزینه های مربوط به مستخدمین (دستمزد و مالیات) و بدهی های مالی مورد استفاده قرار می گیرند. در آخر نوبت طلبکاران بدون وثیقه خواهد بود. با این وجود، اداره رسمی برای اولویت بندی / ثبت طلبهای دارای تضمین وجود ندارد لذا در صورت نیاز، موضوع اولویت طلبها می بایست در دادگاه طرح و تعیین گردد.

ابطال معاملات مشکوک

مدیر تصفیه معمولاً مجاز است نسبت به ادامه اجرا و توقف اجرای هر گونه معامله ای که ظرف یک سال پیش از پذیرش تقاضای ورشکستگی مدیون با طلبکاران منعقد گردیده، اقدام نماید. معمولاً بصورت خاص معاملات مرتبط با انتقال نا بجای اموال، و یا معاملات غیر منطقی که طی آن در مقایسه با سایر طلبکاران، امتیاز ویژه ای به یکی از طلبکاران داده شده در برابر دیگر طلبکاران می دهد و ... ابطال می شوند. عملاً، قرارداد طرف هایی که ظرف دو ماه از تاریخ درخواست، اعلامیه قبول دادخواست ورشکستگی را از دادگاه دریافت نمایند، باطل می گردند.

طول فرایند ورشکستگی و اسناد مورد نیاز

تشریفات ورشکستگی عموماً بین دو تا چهارسال زمان می برد. اما در صورت نداشتن داراییهای کافی از سوی مدیون، دادگاه فوراً این فرایند را پایان می دهد. مدارک مورد نیاز عبارتند از اطلاعات ثبتی شاکی و بدهکار، تقاضانامه حاوی نوع درخواست و دلایل (مستندات)، مدارک مربوط به طلب (مالیات بر ارزش افزوده، قرارداد، سفارشات خرید، مکاتبات و ...) صورت حساب ها و وثایق در صورت وجود.